

احساس تعلق هویتی و نقش آن در شکل‌گیری تصورات قالبی در پیشداوری: ارزیابی پیمایشی

علی‌اشرف نظری*

E-mail: nazarian2004@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۱۹

چکیده

ادراکات و تصورات متقابلی که گروه‌ها از یکدیگر دارند یکی از عوامل تعیین‌کننده در تقویت و یا تضعیف مبانی هویت جمعی است و در چارچوبی کلان در زمره مباحث روان‌شناسی اجتماعی قرار می‌گیرد. میزان شناخت و نحوه ادراک افراد یک جامعه از یکدیگر مبنای اصلی تعامل آنها با یکدیگر است. این‌که ما دیگران را چگونه مورد فهم و ارزیابی قرار می‌دهیم نقش شایان توجهی در برقراری ارتباط، دوری‌گزیدن و یا نفی و حتی حذف دیگران دارد. اصولاً انسان‌ها در قبال دیگران همان‌گونه رفتار می‌کنند که می‌اندیشند و متأثر از نقش ذهنیت و جهت‌گیری‌های ذهنی خود، چیزهایی را می‌بینند، که «باید» ببینند ترکیب شناخت‌ها (اعتقادات و باورها)، احساسات (هیجان‌ها و عواطف) و آمادگی برای عمل (تمایلات) نسبت به پدیده‌های معین و دیگران در چگونگی کنش و واکنش ما تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد.

مردم ایران در تجربه طولانی زندگی جمعی خود دارای حافظه تاریخی مشترکی هستند که در آن افتخارات و رنج‌های مشترک، شکست‌ها و موفقیت‌های بزرگ، و به طور کلی یک جغرافیای تاریخی همیشه رقم خورده است. در این میان، نقش ادراکات و تصورات متقابلی که گروه‌ها از یکدیگر دارند، یکی از عوامل تعیین‌کننده در تقویت و یا تضعیف مبانی زمینه‌ها عینی و ذهنی همگرایی و همبستگی ملی می‌باشد. در شرایط کنونی، تفکرات قالبی و پیشداوری‌ها در مناسبات بین افراد، طوایف، اقوام و گروه‌های ایرانی نقش مؤثری ایفا می‌کند و فهم دقیق ابعاد و زوایای این مسئله می‌تواند ما را در رفع بسیاری از سوءتفاهم‌ها و تحکیم مبانی هویت ملی و رفع زمینه‌های بهره‌برداری نیروهای بیگانه بیش از پیش یاری کند. در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد با تمرکز بر فهم زمینه‌های عینی و ذهنی شکل‌گیری و کاربرد تصورات قالبی و پیشداوری‌های برآمده از آن، ابعاد و پیامدهای این مسئله در ارتباط با هویت ملی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در این پژوهش تلاش خواهد شد ضمن تشریح پدیده تصورات قالبی و بهره‌گیری از نظریه‌های مختلف برای فهم مسئله، رابطه میان احساس تعلق هویتی و میزان تصورات قالبی و پیشداوری از طریق روش پیشمایشی مورد سنجش قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: پیشداوری، تصورات قالبی، هویت، هویت ملی، روان‌شناسی اجتماعی.

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول

مقدمه

تصورات قالبی می‌تواند عامل مهمی در شکل‌گیری و یا بن‌بست در روابط میان افراد و گروه‌های هویتی باشد. تحلیل فرایندهایی که از طریق آن بتوان تصورات اجتماعی و قضاوت‌های افراد و گروه‌ها را دربارهٔ یکدیگر مورد ارزیابی قرار داد یکی از شیوه‌های مؤثر برای سنجش احساسات و تصورات افراد جامعه از یکدیگر و در رابطه با گروه‌های هویتی است (الکساندر و دیگران، ۱۹۹۹: ۸۰۹). در نخستین دهه‌های قرن بیست و یکم، متأثر از گسترش ارتباطات و نقش تعیین‌کننده ذهنیت و ادراک افراد در همبستگی و یا فروپاشی انسجام اجتماعی، شاهد گسترش تصورات و ادراکات گروه‌های هویتی مختلف دربارهٔ یکدیگر هستیم. این مسئله به‌خصوص در رابطه با تصورات قالبی بسیار مشهودتر است؛ به واسطهٔ آن‌که تأثیر تصورات قالبی از این واقعیت ناشی می‌شود که به نحوی عام در میان افراد و گروه‌های اجتماعی مشترک هستند و می‌توانند رفتارهای افراد را به شدت تحت تأثیر قرار دهند. در متن زندگی کنونی، ما با شرایطی مواجه هستیم که نه تنها با افرادی از گروه‌های متفاوت تعامل داریم بلکه هم‌چنین باید بدون داشتن دانشی دست اول، داوریهایی معناداری دربارهٔ آنها بگیریم. به تعبیری، تصورات قالبی مبتنی بر اطلاعات دست دوم ممکن است بر تصمیمات و قضاوت‌های ما اثر بگذارد و به نحوی گسترده‌تر دارای پیامدهای اجتماعی باشد (فريتاک، کاشیما و فیدلر، ۲۰۰۸: X).

آنچه ضرورت پرداختن به بحث حاضر را بیشتر می‌کند این است که اعضای گروه‌هایی که تحت تأثیر تصورات قالبی قرار گرفته‌اند با تهدید بنیادین هویت مواجه‌اند. زیرا از آنجا که تصورات قالبی دارای تأثیراتی به نسبت پایدار بوده و در متن فرهنگ عمومی به سرعت انتشار می‌یابند، می‌توانند قابلیت‌ها و عزت‌نفس آنها را تهدید کنند. وجود چنین تصوراتی می‌تواند برای گروه‌های هدف، مخاطره‌ای مضاعف در رابطه با نوع نگاه به شخصیت آنها و رفتار به اقتضای این کلیشه‌ها را ایجاد کند و «خودنگاره»^۱ آنها را تحت تأثیر قرار دهد. تجربهٔ چنین مخاطره‌ای در درازمدت می‌تواند منجر به هویت‌زدایی پایدار^۲ و از دست رفتن اعتماد به نفس شود (لوی و دیگران، ۲۰۰۹: ۲۴؛ آرونسون و دیگران، ۱۹۹۸: ۸۶). امروزه به واسطهٔ طبقه‌بندی‌ها و شئون مختلفی که در هر جامعه وجود دارد شاهد شکل‌گیری تقسیم‌بندی‌ها و خطوط تمایزات هویتی درخصوص مفاهیم و ساختارهایی نظیر طبقهٔ اجتماعی، زبان، دین، ملیت، ...

1. Self-Image

2. Chronic Disidentification

هستیم. جامعه ما، جامعه‌ای با تنوع و پیچیده و در عین حال همبسته است که درک تفاوت‌ها، احترام به حقوق و جایگاه گروه‌های هویتی و در چارچوبی کلی‌تر، تلاش برای حفظ وحدت و همبستگی ملی به عنوان هدف نهایی از ضرورت‌های انکارناپذیر آن است. در نتیجه، به واسطه گستردگی پیامدهای این تصورات، ضرورت تحلیل و ارزیابی آنها بیش از پیش احساس می‌شود.

پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

نقش سن در شکل‌گیری و کاربرد تصورات قلبی تا چه میزان است؟ پایگاه اقتصادی خانواده و میزان درآمد ماهانه افراد تا چه میزان در شکل‌گیری و کاربرد تصورات قلبی تأثیرگذار است؟ میزان تحصیلات والدین تا چه میزان در شکل‌گیری و کاربرد تصورات قلبی تأثیرگذار است؟ احساس پایداری به فرهنگ، هویت، تاریخ و سرزمین ایران چه تأثیری بر تصورات قلبی دارد؟ عضویت در گروه‌های مختلف هویتی و زمینه قومی، چه نقشی در شکل‌گیری تصورات قلبی دارد؟ توجه بیشتر به کدام یک از وجوه هویت (طایفه‌ای، قومی، شهری، ملی، جهانی) در طرح تصورات قلبی دخیل است؟ ارتباط با گروه‌های زبانی، قومی و مذهبی، تا چه حد در کاهش و یا افزایش تصورات قلبی نقش دارد؟

این پژوهش از نوع همبستگی و هم‌خوانی است و بیش از آن که فرضیه‌های مورد نظر نویسنده (سوگیری‌های پیشینی) قابل اعتبار باشد روابط بین متغیرها، همبستگی بین آنها، نگرش‌ها و تصورات تکمیل‌کنندگان پرسشنامه ملاک ارزیابی و تحلیل خواهد بود. ضمن اذعان به این واقعیت و ضرورت عدم سوگیری پیشینی، برخی فرضیه‌های آگاهی‌بخش که بیشتر نقش ستاره راهنما در پژوهش حاضر را دارند مطرح می‌شود. این فرضیه‌ها چنین هستند:

به نظر می‌رسد میان سن افراد و شکل‌گیری و کاربرد تصورات قلبی رابطه معکوس وجود دارد؛ بدین معنا که هر قدر سن افراد افزایش یابد (متأثر از متغیرهای میانجی نظیر گسترش تجربه و آگاهی، شناخت دقیق‌تر، درک دیگران، تعامل یافتن با دیگران و شهرها، ...)، تصورات قلبی کاهش می‌یابد. بین پایگاه اقتصادی دانشجویان و تصورات قلبی آنها درباره دیگر گروه‌های هویتی رابطه وجود دارد. هر قدر درآمد ماهانه افراد بالاتر باشد، شکل‌گیری و کاربرد تصورات قلبی کمتر است. با افزایش میزان تحصیلات والدین، شکل‌گیری و کاربرد تصورات قلبی کاهش می‌یابد. احساس پایداری به

فرهنگ، هویت، تاریخ و سرزمین ایران موجب کاهش تصورات قالبی می‌شود. زمینه‌های قومی، در شکل‌گیری تصورات قالبی نقشی مثبت دارد؛ یعنی هر قدر افراد بیشتر بر زمینه‌های قومی خود تأکید کنند احتمالاً بیشتر مستعد قالبی‌سازی می‌شوند. گسترش ارتباط با گروه‌های هویتی دیگر، موجب کاهش تصورات قالبی می‌شود.

روش پژوهش

این مقاله مشتمل بر دو بخش نظری و پیمایشی است. در بخش نظری با تبیین و تحلیل اطلاعات و دانش علمی موجود در زمینه گرایش به هویت ملی و قومی و تأثیر آن بر تصورات قالبی و پیشداوری، تلاش خواهد شد با استفاده از روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای، بنیان‌های نظری بحث پی‌ریزی شود. در این بخش از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته می‌شود. در این چارچوب، تلاش می‌شود ضمن ادراک مسائل مورد بحث و زمینه‌های فکری، امکان لازم برای تحلیل چرایی و چگونگی آن نیز مورد توجه قرار گیرد. در بخش دوم از روش پیمایشی^۱ بهره گرفته می‌شود و مطالعات میدانی با استفاده از فن پرسشنامه (به عنوان ابزار اصلی پژوهش) انجام خواهد گرفت.

از آن جایی که محور اصلی این پژوهش، مقیاس‌سازی برای سنجش تصورات و نگرش‌های دانشجویان دانشگاه یزد در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۸۹ در خصوص سایر گروه‌های هویتی می‌باشد برای سنجش مفهوم تصورات قالبی و ابعاد کیفی آن، از طیف‌های لیکرت (در سطح ترتیبی) و بوگاردوس (در مقیاس) بهره گرفته شده است. در تنظیم پرسشنامه تلاش شده است با دقت و تمرکز لازم در طراحی پرسشنامه، همپای با در نظر گرفتن وجوه کمی، ابعاد کیفی پژوهش مورد غفلت قرار نگیرد (ر.ک: شوسلر، ۱۳۸۲). جهت تعیین روایی در این پژوهش، ابتدا پرسشنامه همراه با پرسش‌ها، فرضیه‌ها و اهداف تحقیق به تعدادی از استادان و پژوهشگران که در این زمینه تخصص کافی داشتند داده شد تا درباره محتوای پرسشنامه و ارتباط آن با پرسش‌ها، فرضیه‌ها و اهداف تحقیق اظهار نظر کنند. سپس با انجام پیش‌آزمون^۲ و تکمیل پرسشنامه‌ها توسط ۴۵ نفر از دانشجویان دانشگاه یزد که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند و تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده، پرسش‌ها از حیث روایی^۳ و پایایی^۴ (با استفاده از روش آلفای کرونباخ) مورد سنجش قرار گرفته و بعد از حک و اصلاح گویه‌های فاقد

1. Survey
2. Pre Test

3. Validity
4. Reliability

همبستگی و یا دارای همبستگی ضعیف با یکدیگر و افزایش میزان روایی تحقیق، روی آزمودنی‌ها اجرا شدند. در این پژوهش، میانگین آلفای کرونباخ پرسش‌ها برابر با ۸۸/۵ درصد می‌باشد که بیانگر همسانی درونی و پایایی قابل قبول و رضایت‌بخش است. علاوه بر این، با اتخاذ رویکردی کیفی، پایایی و روایی، تأیید، هدفمندی و کاربردی بودن پرسشنامه نیز مورد توجه قرار گرفت که از صحت قابل قبولی برخوردار است. همچنین با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحت Windows، داده‌های به دست آمده از طریق پرسشنامه‌ها، در سه سطح توصیفی، تبیینی و تحلیل چند متغیری مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته‌اند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، درصد و...) و جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از آمار استنباطی (آزمون t^۱ و رگرسیون چند متغیره) استفاده شد.

حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانشجویان دانشگاه یزد در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹ می‌باشد که تعداد آنها بالغ بر ۸۱۲۵ نفر بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین شده است.

حجم نمونه مورد نظر با ۹۵٪ اطمینان برابر با ۳۶۷ نفر برآورد شد، اما برای جلوگیری از بروز خطای بیشتر و همچنین بالا بردن ضریب اطمینان تعداد ۱۰۰ پرسش‌نامه به آن اضافه شد. در نهایت، بعد از بازبینی پرسش‌نامه‌ها و حذف موارد مخدوش (۱۰ مورد)، تعداد ۴۵۷ پرسش‌نامه وارد تحلیل نهایی شد. بنابراین، جهت تعمیم‌پذیری بیشتر و جلوگیری از افت در نمونه، حجم نمونه به ۴۵۷ نفر افزایش یافت و به دو گروه ۲۶۱ نفری دختر و ۱۹۶ نفری پسر تقسیم شد. بعد از تعیین حجم نمونه و با توجه به تعداد کل دانشجویان، بعد از بررسی لازم در باب انواع شیوه نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شد.

بررسی ادبیات موجود

تاریخچه پژوهش درباره تصورات قالبی به‌رغم پیشینه غنی، جذاب و کاربردی، جوان و نوپا است. در طول دهه‌های اخیر که شاهد گسترش علائق پژوهشی در خصوص آن هستیم، تلاش شده است تا فهم منابع، زمینه‌ها و ریشه‌های باورها و نگرش‌های قالبی و

1. T-test

تبيين آن به‌عنوان دیدگاهی اجتماعی که بر رفتار افراد اثر می‌گذارد مطمح نظر قرار گیرد (استنگور، ۲۰۰۹: ۱). نقطه شروع پژوهش‌های علمی درباره تصورات قالبی به نیمه نخست قرن بیستم باز می‌گردد. در این مقطع با انتشار کتاب *شخصیت قدرت طلب* از سوی آدورنو و همکارانش، مفهوم تصورات قالبی بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت. این اثر به بحث در مورد چرایی ظهور احساسات نژادپرستانه در آلمان نازی اختصاص داشت. نتایج این پژوهش آشکار ساخت که ظهور احساسات بر ضد نژادهای دیگر متأثر از وجود تصورات قالبی و پیشداوری درباره دیگر گروه‌ها است و شخصیت‌های قوم‌گرا و نژادپرست غالباً دارای شخصیت قدرت طلب هستند (اشنایدر، ۲۰۰۴: ۸).

در طول دو دهه اخیر (۱۹۹۰-۲۰۱۰م)، علائق پژوهشی درخصوص تصورات قالبی گسترش یافته است. متأثر از این فضا، پژوهش پیرامون تصورات قالبی حیاتی جدید یافت و دو تغییر عمده در شیوه پژوهش آن رخ داد: نخست این‌که، تأکید از مطالعه مفهوم «تصورات قالبی» به فهم نشانه‌های مرتبط با فرایندهای شناختی^۱ جهت یافت. دوم آن‌که، در ارزیابی این مسئله که چه گروه‌هایی قربانی قالبی‌سازی هستند، تحولاتی رخ داد (همیلتون، استروسنر و درسکول، ۱۹۹۴: ۲۹۱-۳۲۱). در این مقطع، پژوهشگران توجه اصلی خود را به درک فرایندهایی معطوف کردند که تصورات قالبی از طریق آنها، ادراک و نگرش اجتماعی، پیشداوری و تبعیض و آزار دیگران را شکل می‌دهد. در پژوهشی که در سال ۱۹۹۷ میلادی درباره تصورات قالبی در ورزش بسکتبال انجام شد مشخص شد که در اغلب گزارش‌ها متأثر از نوعی تصور قالبی افراد سفیدپوست به عنوان افرادی باهوش و سیاه‌پوستان به عنوان افرادی که دارای فیزیک ورزشی طبیعی هستند معرفی می‌شدند (هال، ۲۰۰۱؛ استون، پری و دارلی، ۱۹۹۷). آثار انتشار یافته در این دوره، در رابطه با ریشه‌ها و دلایل ظهور تصورات قالبی (ن.ک: ساگار و شوفیلد، ۱۹۸۰)؛ توانایی تجزیه و تحلیل دریافت‌کنندگان تصورات قالبی و قضاوت بر پایه آن (مک‌رای، هوستون و گریفیتس، ۱۹۹۳: ۷۱-۱۰۳)؛ میزان و اطلاعات افراد درباره گروه‌های هویتی (بکت و پارک، ۱۹۹۵: ۲۱-۳۱)؛ فرایندهای شناختی تسهیل‌کننده تصورات قالبی (براون، ۱۹۹۵: ۲)؛ ابعاد نظری تصورات قالبی و پیشداوری (ن.ک: استنگور، ۲۰۰۰)؛ محتوای تصورات قالبی (فیسک و دیگران، ۲۰۰۲: ۸۷۸-۹۰۲) و اتخاذ رهیافتی استقرایی برای تجزیه و تحلیل تصورات قالبی (ن.ک: فیدلر و والتر، ۲۰۰۴) به بحث پرداختند. مرکز

مطالعه فرایندهای گروهی در دانشگاه کنت^۱ هر ساله با انجام پیمایش‌هایی در سطح ملی، گزارشی با عنوان برابری، تنوع و پیشداوری در بریتانیا منتشر می‌کند که در اختیار کابینه قرار می‌گیرد. در این گزارش یافته‌های پیمایشی به دست آمده بر پایه روش‌های روان‌شناسی اجتماعی در رابطه با مسائلی نظیر برابری و حقوق بشر، نموده‌های پیشداوری و تجارب آن، شرایط پیشداوری و تصورات قالبی تقویت‌کننده پیشداوری مورد بررسی قرار می‌گیرد (آبرامز و هوستون، ۲۰۰۶: ۱۱؛ فیسک و دیگران، دیگران، ۲۰۰۹: ۷۸).

در ایران، طرح پژوهشی و یا کتاب خاصی با تمرکز بر این موضوع در دسترس نیست. در آثار موجود یا صرفاً بحث تصورات قالبی به صورت نظری (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲) مورد بررسی قرار گرفته و یا درخصوص کلیشه‌های جنسیتی در میان اقوام (ر.ک: خمسه، ۱۳۸۶: ۱۲۹-۱۴۶)، ... مقالاتی به رشته تحریر درآمده است. بنابراین اثری تخصصی به زبان فارسی در رابطه با موضوع پژوهش حاضر (تصورات قالبی و بازتاب آن در روابط بین گروه‌های هویتی) و بحث در مورد ماهیت تصورات قالبی و کارکردهای آن در ایران وجود ندارد و یا در دسترس نگارنده نبوده است.

مفهوم تصورات قالبی

تصور قالبی از جمله مفاهیمی است که در حوزه علوم اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی کاربرد دارد. واژه Stereotype از ادغام دو واژه یونانی (στερεότυπος) شکل گرفته است: (stereos) به معنای سخت و استوار^۲، و (τύπος) به معنای علامت یا نشانه‌گذاری و ادراک^۳. در حقیقت، معنای اولیه واژه Stereotype در زبان انگلیسی، به صفحات فلزی و قالب‌های سختی که برای تولید بشقاب‌های طرح‌دار به کار می‌رفت، اشاره داشت (اشنایدر، ۲۰۰۴: ۶). چنان‌که «میلر» یادآور می‌شود «این واژه احتمالاً به دو معنا به کار می‌رفته است: تصلب^۴ و همانندسازی. بنابراین، وقتی این واژه را در ارتباط با افراد به کار می‌بریم یعنی این‌که تصورات قالبی متصلب هستند و همه افراد مورد اشاره دارای خصیصه‌های مشابهی دانسته می‌شوند» (میلر، ۱۹۸۲: ۴).

تا ابتدای قرن بیستم، واژه «تصور قالبی» هم‌چنین برای اشاره به «رفتار رسمی» و در نیمه نخست قرن بیستم، غالباً برای اشاره به الگوهای متصلب و تکراری به کار می‌رفت.

1. Centre for the Study of Group Processes at University of Kent
2. solid and firm
3. blow, impression and engraved mark
4. Rigidity
4. Walter Lipmann
5. Public Opinion
6. General Cognitive Structures

اما در کاربرد رایج، این واژه بیشتر به خصیصه‌هایی اشاره داشت که بر پایه ملیت، قومیت و یا جنسیت به دیگران نسبت داده می‌شد (اشنایدر، ۲۰۰۴: ۶). والتر لیپمن^۴ - روزنامه‌نگار برجسته آمریکایی - نخستین فردی بود که در کتاب خود با عنوان *افکار عمومی*^۵ (۱۹۲۲)، تصورات قالبی را مورد بحث و بررسی علمی قرار داد. از نظر او، تصورات قالبی به معنای «باورها، اندیشه‌ها و قالب‌های ساخته و پرداخته ذهنی است که به ادراکات شخصی از محیط پیرامون خود، رنگ و هیئت خاصی می‌بخشد و به صورت اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود» (صادقی فسایی و کریمی، ۱۳۸۴: ۶۵). لیپمن، تصورات قالبی را به عنوان «ساختارهای عام شناختی»^۶ مورد ملاحظه قرار داده و از آن اشاره به خطاهای نظام‌مند و ادراک‌های نادرست از جهان به کار برد. از دیدگاه لیپمن، تصورات قالبی الزاماً مبتنی بر تجربه نیستند و بیشتر باید به عنوان پدیده‌ای شناخته شوند که از فرایندهای شخصیتی ناشی می‌شوند. استعاره مشهور او درباره تصورات قالبی، یعنی «تصاویری که در ذهن داریم»، توجه ما را به تفاوت اساسی میان تصاویر ذهنی و واقعیتی که ما به آن ارجاع می‌دهیم جلب می‌کند. در این تعبیر - که در میان اغلب روان‌شناسان اجتماعی رایج است - تصورات قالبی بیش از آنکه برآمده از واقعیت‌های عینی و منتج از آن تلقی شود تصاویری دانسته می‌شود که در ذهن ما نقش بسته است و دیدگاه‌های ما را از جهان اجتماعی شکل می‌دهد. این تصاویر، نشانه‌هایی را بازنمایی می‌کند که ما به عنوان خصیصه‌های گروه‌های اجتماعی و اعضای آنها تلقی می‌کنیم. بنابراین، هنگامی که ما درباره آن گروه فکر می‌کنیم آن خصیصه‌ها ناخودآگاه به ذهن ما خطور می‌کند (امودیو و لیبرمن، ۲۰۰۹: ۱۷۹؛ سمین، ۲۰۰۹: ۲). لیپمن با درک چنین فرایندی، در ادامه بررسی‌های خود نوشت: «چیزی غیر منعطف‌تر از تصورات قالبی در حوزه آموزش و نقد وجود ندارد» (ویر و کروکر، ۱۹۸۳: ۹۶۱).

روان‌شناسان اجتماعی معتقدند تصورات قالبی به معنای «تعمیم درباره گروهی از افراد بر اساس خصیصه‌هایی همانند است که برای همه اعضای آن گروه صرف نظر از تفاوت عینی در میان اعضا به نحوی اجتناب‌ناپذیر مفروض گرفته می‌شود و قالبی‌سازی را شناخت بر حسب کلیشه‌های ذهنی می‌دانند» (آرونسون، ۲۰۰۶: ۵۸). تمسک به تصورات قالبی در طبقه‌بندی‌های اجتماعی یک میان‌بر ذهنی است که افراد را قادر می‌سازد مطالب زیادی را درباره شخص یا گروهی از اشخاص، صرف‌نظر از این که آن دانش درست یا غلط باشد بپذیرند. محتوای این تصورات قالبی آن است که اعضای برخی گروه‌ها دارای خصلت‌های معینی هستند (آذربایجانی و دیگران: ۳۰۲؛ کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۰ و ۲۳۰).

«ادراک فقط پدیده‌ای روانی - فیزیولوژیک نیست، بلکه پدیده‌ای روانی - اجتماعی نیز هست. نگرش‌ها، پیش‌داوری‌ها، تصورات قالبی، ارزش‌های فردی و اجتماعی همه از عوامل تعیین‌کننده ادراک اجتماعی است. گروه‌های اجتماعی مختلف نیز با استفاده از اطلاعاتی که از چارچوب مرجع، تجربیات گذشته، هنجارها و ارزش‌های گروه خود به دست آورده‌اند شیئی اجتماعی یا اشخاص مرتبط با خود و در موقعیت خاص را ادراک می‌کنند» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۶).

تبیین مفهوم پیشداوری

واژه «پیشداوری»^۱ از واژه لاتینی Praejudicium گرفته شده است که به معنای پذیرش اولیه یا پیش‌فرض^۲ بوده و به نحو تنگاتنگی مرتبط با واژه Prejudice به معنای از پیش قضاوت کردن است. در ادبیات عمومی، واژه پیشداوری مرتبط با مفاهیمی نظیر قضاوت منفی و پیشداوری به نفع برخی افراد یا برخی چیزها است. پیشداوری می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از واکنش‌های مؤثری باشد که ما درباره افرادی به واسطه عضویت آنها در طبقه‌بندی خاص داریم (اشنایدر، ۲۰۰۴: ۲۵).

پیشداوری، حکم مقدم بر تجربه است. واکنشی است که شخص نسبت به فردی یا چیزی پیش از هرگونه تجربه واقعی دارد و مبتنی بر تجربه نیست. پیشداوری به طور متعارف به عنوان نگرش غیرمنصفانه منفی^۳ در رابطه با یک گروه اجتماعی یا فردی است که به عنوان عضو آن گروه تلقی می‌شود (دویدیو، ۲۰۰۱: ۸۲۴). در برخی دیدگاه‌ها بر جنبه‌های منفی پیشداوری تأکید شده است. به طور مثال، ارونسون پیشداوری را چنین تعریف می‌کند: «پیشداوری نگرش منفی و خصمانه نسبت به گروهی مشخص بر اساس تصمیم‌های ناشی از اطلاعات ناقص و یا نادرست است. براساس این دیدگاه هرگاه گفته می‌شود که شخصی علیه سیاه‌پوستان تعصب و پیشداوری دارد مقصود آن است که او تمایل دارد رفتاری خصمانه نسبت به سیاه‌پوستان داشته باشد» (ربانی و کجیاف، ۱۳۸۶: ۱۵۳). فورسیت هم در تعبیری مشابه می‌نویسد: «پیشداوری، دوست داشتن یا بیزارى از افراد به دلیل عضویت آنان در یک گروه اجتماعی است که معمولاً بیش‌تر به سوگیری منفی اشاره دارد» (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

دیدگاه ارونسون و فورسیت صرفاً ناظر بر یکی از انواع پیشداوری است و همیشه چنین تعریفی درست نمی‌باشد؛ زیرا گاهی پیشداوری حامل نگرش مثبت و حتی

1. Prejudice

2. Preliminary or presumption

3. Unfair Negative Attitude

دوستانه است که نسبت به یک فرد یا گروهی ممکن است صورت گیرد. بر این اساس بر مبنای نوع پیشداوری، تصور قالبی نیز ممکن است مثبت یا منفی باشد. اگر تصور قالبی بر تجربه استوار بوده و دقیق و صحیح باشد، راهی کوتاه و مطلوب برای سازگاری با دنیای خارج است. از سوی دیگر، اگر تصور قالبی، ما را از دیدن اختلافات فردی در طبقه‌ای از مردم بازدارد، ناسازگارانه و بالقوه خطرناک است. در هر صورت تفکر قالبی می‌تواند دارای نقش‌های مثبت و منفی بسیار قوی باشد.

پیشداوری به معنای تصورات و عقاید منفی نسبت به یک گروه یا اعضای آن و یا به نمایش گذاشتن رفتارهای ستیزه‌جویانه نسبت به آنها، پیش از شناخت آنها است (براون، ۱۹۹۵: ۵-۶). راپرت برن^۱ در کتاب *پیشداوری: زمینه‌های اجتماعی آن* می‌نویسد: «تصورات قالبی پدیده‌ای منفی است که به عنوان دیدگاه وارونه و تصورات نادرست شناخته می‌شود و حداقل یکی از دلایل تسهیل‌کننده منازعه است» (براون، ۲۰۰۱: ۸۲). این مسئله یکی از مبانی نظریه سازمان یونسکو برای ارائه «پروژه تنش»^۲ بود که در آن آمده است:

«باورهای نادرست، که کمابیش از طریق تبلیغات بین‌المللی رسانه‌های جمعی تغذیه می‌شود؛ عنصری مهم در شکل‌گیری منازعه است. تحریف باورها، ایجاد و گسترش تعصبات به جای دانش واقعی یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری جنگ‌های گرم و سرد است» (جاهودا، ۲۰۰۱: ۸).

به طور کلی، پیشداوری نگرش غیرمنصفانه و ناموجهی است که مبنای آن عضویت فرد در گروهی خاص است. گروه می‌تواند از آدم‌هایی با نژاد، جنسیت، دین یا ملیت خاص تشکیل شده باشد یا با کسی که نسبت به او پیشداوری دارد تفاوت ملموس دیگری داشته باشد (سانتراک، ۱۳۸۳: ۳۷۱). پیشداوری بر اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده‌ای مبتنی است که در فرایند اجتماعی شدن به دست می‌آید. آنچه موجب پیشداوری نسبت به دیگران می‌شود، مؤلفه‌هایی نظیر تفاوت در زبان، نژاد، طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت، زادگاه، جایگاه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. یافته‌های جدید حاکی از آن است که پذیرش تصورات قالبی مرتبط با تفکر مبتنی بر پیشداوری و پذیرش بی‌قید و شرط و جزم‌گرایانه است (کارتر، ۲۰۰۶: ۱۱۱). معمولاً پیشداوری در شخص از بین نمی‌رود و از جنبه منفی به جنبه مثبت تبدیل نمی‌شود و همین واقعیت است که آن را از سوءتفاهم متمایز می‌سازد (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۶۹-۱۷۰).

1. Rupert Bron

2. Tensions Project

تبیین مفهوم هویت ملی

«هویت» واژه‌ای «مبهم و مجادله برانگیز»^۱ است که بنا به چارچوب‌های روش‌شناختی متفاوت در حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی، هر یک از صاحب‌نظران از منظری متفاوت به آن نگریسته‌اند و یکی از ابعاد هویت را در وجوه فردی، گروهی، طبقاتی، ملی، فراملی و... مورد توجه قرار داده‌اند. واژه هویت خود دو معنای اصلی دارد: اولین معنای آن بیانگر احساس مفهوم تشابه مطلق است. معنای دوم آن به مفهوم تمایز است (کنلی، ۲۰۰۲: ۱۴). در واقع هویت به طور هم‌زمان میان افراد دو نسبت محتمل برقرار می‌کند: از یک طرف، مفهوم شباهت؛ و از طرف دیگر تفاوت. هویت همان معناداری در دو سطح فردی و اجتماعی است که کنش‌گران اجتماعی را قادر می‌سازد تا به پرسش‌های بنیادی معطوف به کیستی خود پاسخی مناسب و قانع‌کننده بدهند. طرح کیستی ما نتیجه زندگی اجتماعی انسان‌ها و بودن در متن موجودیتی مشترک است که بر اساس آن افراد در صدد فهم جایگاه و موقعیت خویش بر می‌آیند.

هویت شامل ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و نحوه شناخت فرد از جهان است که به صورت شکلی از آگاهی متبلور می‌شود و در جامعه نوعی انسجام و همبستگی ایجاد می‌کند. این سازوکار زمانی عمل می‌کند که عوامل هویت‌ساز فرهنگی، تاریخی، سیاسی و جغرافیایی در تقابل با هم نباشند و بدون تعارضی بنیادین بتوانند گفتمان مسلطی را به وجود آورند (نروال، ۲۰۰۳: ۲۷۵). «هویت در بردارنده و معرف «کیستی» هر فرد در بستر زمانی - مکانی، یعنی تاریخ، فرهنگ و جامعه است که جایگاه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اعضای یک جامعه را تعیین می‌کند و فرد از طریق فرایند «هویت‌یابی»^۲ به یک تاریخ، فرهنگ و اجتماع خاص تعلق پیدا می‌کند» (نجاتی، ۱۳۸۲: ۱۵۴). احساس تعلق، تجربیات و میراث مشترک، احساس تعهد افراد به اجتماع، برخورداری از آرمان‌ها و باورهای مشترک و مهم‌تر از همه هویت‌یابی و شناسایی به افراد هویت جمعی می‌بخشد (ویدون، ۲۰۰۵: هفت). فرایندهای هویت‌یابی میان افراد نقاط و گره‌های تعاملی ایجاد می‌کند که برخی از آنها به عنوان خصایص عمومی جامعه یا آنچه که «خلق و خوی ملی» نامیده می‌شود پذیرفته شده‌اند. اعتقادات و سنت‌ها، ارزش‌های اخلاقی، سلايق زیبایی‌شناختی، موضع‌گیری‌های ارزشی، پیوندهای جغرافیایی، خویشاوندی، احساس تعلق، تجربیات و میراث مشترک، احساس تعهد افراد به اجتماع، برخورداری از آرمان‌ها و باورهای مشترک به افراد جامعه هویت می‌بخشد (نظری، ۱۳۹۰: ۸۱-۸۲).

1. Vague & Contested

2. Identification

هویت ملی، در عرصه جغرافیای مشترک انسانی و روابط تنگاتنگ و در هم تنیده آنان با یکدیگر شکل می‌گیرد. «هویت جمعی چیزی نیست جز تعریفی مشترک از فرصت‌ها و محدودیت‌ها که به [صورت] یک کنش جمعی عرضه می‌شود. مشترک به این معنا که امری از طریق فرایند مکرر «فعال ساختن» روابط اجتماعی بازیگران را به هم پیوند می‌دهند برساخته می‌شود و از طریق مذاکره و توافق شکل می‌گیرد» (تاجیک، ۱۳۸۴: ۲۰۶). نکته مهم آن‌که هویت ملی دارای ابعادی نهادین شناسایی جمعی است که به عنوان «شیوه بودن» و در عین حال «شیوه انجام کارها» نیز می‌باشد. به تعبیر بهتر، «هویت شناخت خود با توجه به بنیادهای خاص و شناساندن خود بر اساس آن بنیادها به دیگران است» (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۱). نظریه پردازانی نظیر «جیمز»، «کولی» و «مید» که در زمره نظریه پردازان سنت کنش متقابل نمادی قرار می‌گیرند تأکید می‌کنند که «خود» هر شخص از طریق نوعی فرایند انعکاسی تکوین می‌یابد و به واسطه بازتابی بودن هویت، تصور ما از این که دیگران چگونه به ما می‌نگرند بسیار حائز اهمیت است (کالهن، ۱۹۹۸: ۱۷۸؛ کوهن، ۱۹۸۲: ۱۷-۲۶).

هویت و خودآگاهی ملی مسئله‌ای است که ما را با مفاهیمی نظیر هستی و موجودیت جمعی، احساس تعلق و پیوند جمعی و مهم‌تر از همه اصالت و اعتبار تاریخی هویت آشنا می‌سازد. فهم زمینه‌های هویتی و تأمل در زمینه‌های جامعه‌شناختی آن می‌تواند بسیاری از وجوه آگاهی سیاسی و ملی را ایجاد کند. در تعبیر نهایی، هویت ملی را می‌توان چنین تعریف کرد: «بازتعریف و بازتفسیر دائمی الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی است که میراث تمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با الگو و عناصر فرهنگی آن» (اسمیت، ۱۳۸۳: ۲۹-۳۰).

هویت قومی

هویت قومی مجموعه ایده‌های فرد درباره اعضای گروه قومی خود و بازشناسی خود با استفاده از نشانگان و برچسب‌های قومی است. فیجین بیان می‌کند که گروه قومی به معنای این است که یک فرد به طور اجتماعی و بر پایه خصیصه‌های فرهنگی یا ملیت‌اش از دیگران متمایز یا جدا شده باشد (فیجین، ۱۹۷۸: ۹). تامپسون در نگاهی موشکافانه مفهوم قومیت^۲ را مورد توجه قرار داده و آنرا به عنوان یک وجه متمایز فرهنگی می‌داند که برخی افراد را از دیگران جدا می‌کند. او استدلال می‌کند که چنین

1. Ethnic Identity

2. Ethnicity

گروه‌هایی درگیر رفتارهایی هستند که مبتنی بر معیارهای فرهنگی یا فیزیکی در چارچوبی اجتماعی است که این معیارها با آن تناسب دارد (تامپسون، ۱۹۸۹: ۱۱). از این منظر، گروه قومی به عنوان هسته اصلی شکل دهنده هویت قومی، دسته‌ای از مردم دارای فرهنگ مشترک است که خود را از افراد دیگر جامعه متمایز می‌کنند و یک جمع انسانی ویژه را تشکیل می‌دهند. هویت قومی یکی از انواع هویت جمعی و در سطحی پایین‌تر از هویت ملی است که به مجموعه مشخصات و ویژگی‌های فرهنگی اطلاق می‌شود که یک قوم را از اقوام دیگر متمایز می‌کند و بین اعضای یک قوم نوعی احساس تعلق به همدیگر ایجاد کرده و آن را منسجم می‌کند. بنابراین، مهم‌ترین خصوصیات یک قوم را می‌توان موارد زیر دانست: نیاکان مشترک واقعی یا اسطوره‌ای، نام مشترک، سرزمین مشترک، زبان مشترک، فضاهای مشترک زیستی، رسوم و آداب مشترک، ارزش‌های مشترک و احساس تعلق به یک گروه واحد (نواح و تقوی‌نسب، ۱۳۸۶: ۱۴۸-۱۴۷).

گروه قومی، متشکل از گروهی از مردم است که دارای زمینه فرهنگی مشترک بوده و به طور اجتماعی از گروه‌های دیگر قابل تشخیص می‌باشند. به نظر «فردریک بارت» گروه قومی به جمعیتی اطلاق می‌شود که «دارای خودمختاری زیادی در بازتولید زیستی خود باشد، ارزش‌های فرهنگی مشترکی داشته باشد، یک میدان ارتباطی و کش متقابل را بسازد و خود را متمایز از دیگران بداند» (قانع‌راد و دیگران، ۱۳۸۶: ۶). مهم‌ترین خصوصیات یک گروه قومی از نظر برتون نیز مواردی چون نیاکان مشترک واقعی یا اسطوره‌ای، نام مشترک، سرزمین مشترک، زبان مشترک، فضاهای مشترک زیستی، آداب و رسوم مشترک، ارزش‌های مشترک و احساس تعلق به یک گروه واحد را شامل می‌شود. واکرکونر از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، باور به رابطه را مهم‌تر از خود رابطه می‌داند و اعتقاد و ایمان به افسانه‌ها و اجداد مشترک و رابطه خویشاوندی در مفهوم تاریخی را اساس اولیه قوم و ملت می‌داند. در واقع، هویت قومی به نحوه تفکر، ادراک، احساس و رفتار فرد درباره تعلق به گروه قومی و آگاهی از تمایز و تفاوت گروه خویش مربوط می‌شود:

«قوم، گروهی افراد دارای منشاء مشترک، سرنوشت مشترک، احساس مشترک و انحصار نسبی منابع ارزشمند مشترک است که بر اساس قواعد و نهادهای فرهنگی مشترک در یک میدان تعامل درون‌گروهی با کسب هویت جمعی تبدیل به «ما» می‌شوند» (قانع‌راد و دیگران، ۱۳۸۶: ۵).

چارچوب نظری

چشم‌اندازهای نظری گوناگونی در رابطه با آنچه که تصورات قالبی و پیشداوری خواننده می‌شود مطرح شده است. مهم‌ترین این نظریه‌ها به تناسب ارتباط با مقاله حاضر عبارتند از: نظریه تضاد واقع‌گرایانه^۱ منافع (کمپل و لوین)^۲، نظریه هویت اجتماعی (تاجفل و بریور)^۳، نظریه بیناگروهی^۴.

۱. نظریه منازعه واقع‌گرایانه^۴

یکی از قدیمی‌ترین نظریات درباره پیشداوری و تبعیض، نظریه تعارض واقع‌بینانه است. براساس این نظریه، تعارض بین گروه‌های هویتی ناشی از رقابت بر سر مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و بر سر منابع محدودی مانند شغل، مسکن و دسترسی به امکانات آموزشی مناسب است. هرگاه عرضه چنین کالاها و مطلوبیت‌هایی کم باشد تقاضا و رقابت برای آنها زیاد می‌شود. این نظریه قائل به وجود منابع محدود و رقابت بر سر آنها، بازی با حاصل جمع صفر^۵ و منازعه میان گروه‌های فرادست و فرودست است. بر این اساس، احساس ستیزش، پیشداوری و کلیشه‌سازی هنگامی ظهور می‌کند که گروه‌ها برای دستیابی به منابع محدود با هم رقابت کنند. گاهی پیشداوری برای ارضای انگیزه‌های روانی مانند دفاع از خود صورت می‌گیرد. افرادی که نسبت به مقام و ارزش خود احساس خطر می‌کنند گاه با طرد دیگران از موقعیت خود دفاع می‌کنند. از این منظر، کسانی که دارای کالاهای با ارزش نظیر شغل، تحصیلات و دارایی باشند بیشتر در صدد ابراز رفتارهای توهین‌آمیز یا تهاجمی هستند.

این نظریه به بررسی تفکر «ما در برابر آنها» یا تمایز میان آنچه در روان‌شناسی اجتماعی «درون‌گروه» و «برون‌گروه»^۶ گفته می‌شود می‌پردازد و مطرح می‌کند که منازعه هنگامی گسترش می‌یابد که یک گروه دارای استدلالی واقع‌گرایانه و عقلایی برای رقابت یا رویارویی با دیگران باشد (هوگتون، ۲۰۰۹: ۱۷۰). توزیع امکانات محدود در جامعه باعث می‌شود برخی گروه‌ها پیوسته با هم رقابت کنند و در مورد یکدیگر پیشداوری داشته باشند. وقتی گروه‌ها بر سر امکانات در جامعه، شغل، زمین، قدرت، پایگاه و امکانات مادی و اجتماعی با یکدیگر رقابت می‌کنند زمینه‌های قالب‌سازی و پیشداوری نضج می‌گیرد. به موجب این نظریه، پیشداوری از رقابت میان گروه‌های اجتماعی درباره کالاها و فرصت‌های ارزشمند ناشی می‌شود و تا چنین رقابتی ادامه

1. Campbell & Levine

2. Tajfel & Brewer

3. Intergroup Theory

4. Realistic Conflict Theory (RCT)

5. Zero- Sum Game

6. Ingroups and Outgroups

داشته باشد اعضای گروه‌ها نسبت به هم دیدگاه‌های منفی خواهند داشت. اگر فردی در سلسله‌مراتب اجتماعی - اقتصادی در سطح پایین‌تر قرار داشته باشد ممکن است نیاز به گروهی داشته باشد تا بتواند نسبت به آنها احساس برتری کند. پژوهش نشان داده است که اگر پایگاه اقتصادی فردی پایین‌تر و یا در حال نزول باشد بیشتر از کسی که از پایگاه اجتماعی بالاتر و یا در حال صعود است مستعد پیشداوری است (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۷۱-۱۷۲).

تحقیقات بسیاری که در این زمینه انجام شده است وقوع برخی از جوانب این فرایند را تأیید می‌کنند که مطالعه معروف «شریف» از جمله آنهاست. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه رقابتی معقول در مورد منابع کمیاب، به سرعت به تعارض تمام‌عیار تبدیل می‌شود و در چنین وضعیتی، نگرش‌های منفی که هسته مرکزی پیشداوری را تشکیل می‌دهند رواج می‌یابند. نتایج آزمایشگاهی و میدانی نشان می‌دهد که گروه‌های رقیب، تمایل دارند تا یکدیگر را مورد توهین، تحقیر و کلیشه‌سازی قرار دهند (گرینبری و دیگران، ۲۰۰۹: ۳۲۰) علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که با جدی‌تر شدن رقابت، نگاه افراد درگیر به یکدیگر به صورت فزاینده‌ای منفی می‌شود. در این وضعیت، اعضای گروه گرایش دارند که مرزهای میان خود و دیگری را مستحکم کنند، گروه‌های دیگر را کوچک بشمرند و به فرادستی خود ایمان آورند (کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۳۰-۲۳۱). برخی محققان اعتقاد دارند که شرایط اقتصادی و ناکامی‌های اجتماعی زمینه‌های شکل‌گیری تصورات قالبی و افراطی‌گری را فراهم می‌کند. وضع چینی‌های مقیم سواحل غربی آمریکا نمونه‌ای در این زمینه است. امریکایی‌ها تا هنگامی که به نیروی کار چینی‌ها نیاز داشتند یعنی قبل از سال ۱۸۶۷م. آنان را افرادی قانع، فرمانبردار و بی‌آزار می‌دانستند ولی پس از آن که شرایط اقتصادی تغییر کرد آنان را خطرناک فاسد و پست شمردند (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۱۰).

نظریه واقع‌گرایانه، از جانب برخی پژوهشگران مورد انتقاد قرار گرفته است. انتقاد اصلی، درخصوص این نکته است که به صورت عینی رابطه قابل توجهی میان قالبی‌سازی و منازعه بر سر منابع و در نتیجه تصورات قالبی وجود ندارد. در بسیاری از کشورها نظیر ایالات متحده آمریکا، علی‌رغم وجود منابع فراوان، کلیشه‌سازی و تفکرات قالبی به نحوی جدی شکل گرفته است. در واقع، شکل‌گیری منازعات مفهوم‌سازی‌های کلیشه‌ای بیش از آن که جنبه واقع‌گرایانه داشته باشد بیشتر نمادین است. در این چارچوب، تفکرات قالبی مجموعه‌ای از اعتقادات و باورها است که به واسطه احساس کهنتر بودن برخی گروه‌ها نمایان می‌شود.

۲. نظریه هویت اجتماعی

نظریه هویت اجتماعی به عنوان نظریه مسلط در پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، بر نقش بنیادین هویت‌های متنوع اجتماعی نظیر جنسیت، ملیت، طبقه اجتماعی، قومیت و نژاد تأکید می‌کند که در موقعیت‌های گوناگون برجسته می‌شوند و بر قضاوت اجتماعی و رفتار تأثیر می‌گذارند. نظریه هویت اجتماعی، نقش موقعیت^۱ را در ترسیم استنباط یک یا چند هویت اجتماعی بیشتر از دیگران برجسته می‌کند و از این طریق اهمیت تعامل میان فرد و موقعیت را برجسته می‌سازد.

یکی از مباحث محوری در نظریه هویت اجتماعی این است که طبقه‌بندی اجتماعی، انگیزه‌ای اساسی به نفع رقابت اجتماعی میان‌گروهی ایجاد می‌کند. زمانی که طبقات اجتماعی شکل بگیرد افراد برای هویت اجتماعی مثبت تلاش می‌کنند و این به نوبه خود موجب رقابت میان گروهی می‌شود. با تداوم نگاه مثبت افراد به گروه خودی در مقایسه با گروه غیرخودی، سوگیری‌های ادراکی و الگوهای رفتاری تبعیض‌آمیز پدید می‌آید (کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۳۲-۲۳۳). اعضای درون‌گروه تمایل دارند تمایزی ایجابی از اعضای برون‌گروه ایجاد کنند. دویین استدلال کرد که تعصبات بیناگروهی می‌تواند به دو شکل متمایز آشکار شود: خودکار و کنترل شده. پیشداوری‌های کنترل شده به واسطه آگاهی، قصد و نیت، فرایندهای ارزیابی ذهنی و در بسیاری از جوامع معاصر، حداقل در ارتباط با بسیاری از گروه‌های اجتماعی، متعارف و معمول نیست. در مقابل، پیشداوری خودکار از طریق فعال‌سازی خودانگیخته در چارچوب روانی است که ضرورتاً به صورت شخصی تمهید یا ساخته و پرداخته نشده است اما در جوامع معاصر به صورت گسترده وجود دارد و حامل بازنمایی‌های فرهنگی است که خصیصه‌های منفی (جانی، تروریست، وابسته، ...) یا قالبی‌سازی شده است را به گروه‌های حاشیه‌ای مفروض می‌گیرد (بودنهایسن، تاد و آریچسون، ۲۰۰۹: ۱۳۶-۱۳۷).

پژوهش‌های مربوط به هویت اجتماعی نشان می‌دهد که پیشداوری و تصورات قالبی در میان گروه‌ها حتی در نبود اهداف متعارض نیز رخ می‌دهد. حتی در شرایطی که هزینه‌ها صرفاً روان‌شناختی باشند نیز رقابت ممکن است در میان گروه‌هایی که به دلخواه آزمایشگر شکل گرفته و فاقد اهداف متعارض یا تعامل واقعی هستند رخ دهد (ن.ک: تاجفل، ۱۹۸۲). هنری تاجفل^۲ و همکاران او برخلاف نظریه پردازان واقع‌گرا، این نکته را دریافتند که تخاصم و ستیزش در ارتباط با برون‌گروه (گروه‌های بیرونی) در

1. Context

2. Henri Tajfel

غیاب هرگونه تفاوت عقلایی یا قابل قبول میان گروه‌ها، به واسطه نبود تعامل میان آنها شکل می‌گیرد. نظریه هویت اجتماعی در نقد نظریه‌های واقع‌گرا شکل گرفت و بیان می‌کند که منازعه حتی ممکن است هنگامی ظاهر شود که درون‌گروه چیزی را برای به دست آوردن از طریق رقابت با گروه بیرونی نداشته باشند (هوگتون، ۲۰۰۹: ۱۷۲).

طبق مشاهدات و تجاربی که تاجفل در مطالعات خویش به آن دست یافت این ایده مطرح شد که در شرایطی که دو گروه اساساً با هم تعامل نداشته‌اند شاهد نوعی جانبداری در ارتباط با گروه خودی و به همان نسبت ستیزش و تخاصم در برابر برون‌گروه هستیم. تاجفل در این باره نقش محرک «احترام به خود»^۱ را مطرح کرد. محرک احترام به خود به معنای احساس هویت‌یابی از طریق گروهی است که خود را دارای جایگاه برجسته‌تری نسبت به دیگران می‌داند یا اعضای آن معتقدند که چنین مزیت‌هایی را دارند و به آنها اجازه می‌دهد که احترام به خود را تقویت کنند. این محرکی اساسی است که به واسطه آن اعضای گروه آنها به نفع خود و در تعارض با گروه‌های دیگر عمل می‌کنند (هوگتون، ۲۰۰۹: ۱۷۲) طبق نظریه هویت اجتماعی (تاجفل و ترنر)^۲ تعصب و پایبندی درون‌گروهی، از جایگاه به نسبت عالی اعضای درون‌گروه حمایت می‌کند و از طریق آن، هویت اجتماعی برای اعضای درون‌گروه فراهم می‌شود و عزت نفس آنها را برآورده می‌سازد. هاگ و آبرامز^۳ دو نتیجه از فرضیه عزت نفس می‌گیرند: ۱- جانبداری موفقیت‌آمیز درون‌گروهی، عزت نفس را تقویت می‌کند؛ ۲- انگیزه عزت نفس، کشش به سمت برون‌گروه را بی‌اثر می‌کند (ن.ک: آبرامز و هاگ، ۱۹۹۰).

بر اساس نظریه هویت اجتماعی، گروه‌ها به صورت طبیعی درگیر مقایسه اجتماعی می‌شوند و وقتی که نتیجه این مقایسه منفی باشد برای تغییر موقعیت‌شان انگیزه پیدا می‌کنند. مقایسه اجتماعی موجب این تصور می‌شود که غیرخودی‌ها از امتیازی غیرمنصفانه برخوردار بوده و بنابراین روابط بین گروه‌ها، غیرمنصفانه تعبیر می‌شود. یک راهبرد برای تغییر وضعیت گروه، رقابت اجتماعی است هنگامی که وقوع می‌پوندد که یک گروه درگیر رقابت مستقیم با یک گروه غالب می‌شود. گروهی که در موقعیت غالب قرار دارد به دلیل وضعیت خود از جانب گروه زیردست احساس خطر می‌کند. وقتی این وضعیت پیش می‌آید رقابت به تعارض و رویارویی منجر می‌شود (کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵۹). به عنوان مثال، در بوسنی بر پایه تعارض قومی میان صرب‌ها،

1. Self –Esteem

2. Tajfel & Turner

3. Hogg & Abrams

کروات‌ها و بوسنیایی‌ها جنگ‌هایی در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۵ م. در گرفت که بازتابی از همین مسئله بود.

۳. نظریهٔ بیناگروهی

نظریه بیناگروهی، اخیراً بسط و توسعه یافته است. این نظریه، رهیافتی امتزاجی است که نظریهٔ هویت اجتماعی، نظریهٔ شناخت - توسعه‌گرا، و برخی یافته‌های تجربی را با هدف فهم نگرش‌های قومی درهم ادغام کرده است. طبق این نظریه، تقسیمات درون‌گروهی در صورتی توسعه می‌یابد که بُعد اجتماعی از حیث روانشناختی با اهمیت شود. چهار مؤلفهٔ مرتبط با این اهمیت‌یافتگی ابعاد روانشناختی که به شدت بر نوع رفتار با اقوام دیگر اثر می‌گذارند عبارتند از: اهمیت ادراکی گروه‌ها، اندازهٔ برابر گروه، طبقه‌بندی آشکار عضویت گروهی، و احساس تمایز ضمنی (بیگلر و لیبن، ۲۰۰۶: ۳۸-۳۹). طبقه‌بندی برحسب عضویت درون‌گروهی موجب احساس نوعی شباهت و همانندی در میان اعضا می‌شود و افرادی که درون یک گروه هستند به این همانندی شناخت پیدا می‌کنند. اعتماد نه در ارتباط با گروه‌های بیرونی، بلکه در رابطه با گروه درونی رشد می‌یابد. گسترش اعتماد، توجه و احترام، همکاری و همدلی با اعضای گروه و نه اعضای بیرون از گروه رشد می‌یابد. اعضای گروه شکل اولیهٔ تبعیض را برپایهٔ جانبداری گروهی تا ابعاد فعالانهٔ تهاجم و اهانت به گروه‌های دیگر پی‌ریزی می‌کنند (بیگلر و لیبن، ۲۰۰۶: ۵۷۹).

«زیگموند فروید»^۱ که دربارهٔ «خودشیفتگی مبتنی بر تفاوت‌های حداقلی»^۲ بحث کرد به این موضوع پرداخت که گرایش به منازعه با افرادی که نه تنها به نحوی تنگاتنگ با ما زندگی می‌کنند بلکه هم‌چنین؛ آنهایی که به نحو قابل ملاحظه‌ای متفاوت از ما هستند شکل می‌گیرد. این تنها نظریه‌ای است که می‌توان براساس آن منازعات میان کاتولیک‌ها و پروتستان را در ایرلند شمالی مورد توجه قرار داد که مثال باززی از همسایگانی هستند که اغلب خود را با گروه‌های خارج از خود غیر متمایز می‌بینند. هرچند فروید به صورت متمرکز در مورد روان‌شناسی منازعات قومی بحثی ارائه نکرد، اما پیروان او در این زمینه تحقیقات مفصلی انجام دادند. یکی از این افراد «وامیک ولکان» و همکارانش^۳ است. وی استدلال خود را در کتاب *نیاز به داشتن دشمنان و بیگانگان* از ایدهٔ کلاسیک فروید دربارهٔ «شکاف و تفرقه»^۴ آغاز کرد. از دیدگاه وی، ما تمایل داریم که

1. Sigmund Freud

2. The Narcissism of Minor Differences

3. Vamik Volkan and His Colleagues

4. Splitting

جهان را به دو بخش «خوب» و «بد» تقسیم کنیم، این وجوه را درونی یا فرافکنی کنیم و از دیگران متنفر شویم. در این حالت تلاش می‌کنیم تا دشمن خود را محکوم کنیم و هر چیزی را که در درون خود به صورتی غیرقابل قبول می‌یابیم به آنها تسری دهیم. در واقع ما وجوه غیرقابل پذیرش خودمان را به جهان خارج فرافکنی می‌کنیم. از این رو نسبت به دشمنان احساس عصبانیت و نفرت می‌کنیم. این چیزی است که به سطح ناخودآگاه ما رسوخ می‌کند و اغلب نسبت به آن آگاهی نداریم. به تعبیر دیگر، اساساً استدلال درباره ناخودآگاه، برای سنجش اعتبار آن دشوار است. به علاوه چنان‌که «سیرل وایت»^۱ بیان می‌کند مشکلات زمانی پیچیده‌تر می‌شود که بتوان به سادگی از سطح فردی به سطح گروهی تغییر موضع داد. گروه‌ها، پویایی‌های خاص خود را دارند و نمی‌توان آنها را به سادگی حاصل جمع افراد دانست (هوگتون، ۲۰۰۹: ۱۷۵-۱۷۶؛ ولکان و وامیک، ۱۹۹۸: ۳۴).

در چارچوب این دیدگاه، ما در جهانی تقسیم شده^۲ بر پایه مؤلفه‌هایی نظیر مذهب، ملیت، ایدئولوژی سیاسی، نژاد، قومیت، طبقه اجتماعی و بسیاری از عوامل متمایز کننده دیگر زندگی می‌کنیم. این گروه‌بندی‌های اجتماعی، هویت و زندگی ما را شکل می‌دهند و با ترسیم مؤلفه‌های هویت و حد و مرزها، و هم‌چنین با ایجاد معنا و هویت در زندگی، عزت نفس ما را شکل می‌دهند و متأثر از برخی عوامل نظیر پذیرش، تعلق و پشتیبانی اجتماعی، قواعد، هنجارها، ارزش‌ها و باورها احساس تمایز از دیگران را در ما فزونی می‌بخشند (استفان و دیگران، ۲۰۰۹: ۴۳). تصورات قالبی هنگامی بیشتر تقویت می‌شود که اعضای درون‌گروه آن را پشتیبانی کنند و یا اعضای برون‌گروه با آن مخالفت کنند (هسلم، ۱۹۹۶: ۳۶۹).

تعصب بین گروهی عمدتاً به دلیل تمایل نظام‌مند برای ارزیابی عضویت در گروه (درون‌گروهی) یا عضویت در آن به نفع عدم عضویت در گروهی دیگر (گروه دیگر) یا اعضای آن است. تعصب می‌تواند رفتار (تبعیض)، نگرش (پیشداوری) و شناخت (کلیشه‌سازی) را شامل شود. اشکال تعصب درون‌گروهی می‌تواند شکل‌های متنوعی نظیر پیشداوری و کلیشه‌سازی، تبعیض نژادی، بی‌عدالتی داشته باشد (هوستون و دیگران، ۲۰۰۲: ۵۷۶).

1. Searle White

2. Polarized

توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱. توصیف ویژگی‌های اجتماعی جمعیت شناختی

مطابق با نتایج این پژوهش ۵۷/۱ درصد از پاسخگویان دختر و ۴۲/۹ درصد پسر بوده‌اند. میانگین سنی آنها ۲۱/۷ بوده است. ۸۸/۲ درصد شهرنشین و ۱۱/۸ درصد روستانشین بوده‌اند. ۱۰/۵ درصد شاغل و ۸۹/۵ درصد غیرشاغل بوده‌اند. ۲۰/۴ درصد از شاخه علوم پایه، ۳۰/۴ درصد از علوم انسانی و هنر، ۱۱/۸ درصد از کشاورزی و ۳۷/۴ درصد از فنی و مهندسی بوده‌اند. ۴۵/۳ درصد دانشجوی ترم اول و دوم، ۲۱ درصد دانشجویان نیمسال سوم و چهارم، ۱۶/۸ درصد دانشجوی نیمسال پنجم و ششم و ۱۶/۸ درصد دانشجوی نیمسال هفتم و هشتم بوده‌اند. هم‌چنین ۲ درصد از آنها از مقطع کاردانی، ۷۸/۳ درصد کارشناسی، ۱۷/۳ درصد کارشناسی ارشد و ۲/۴ درصد دکتری بوده‌اند.

۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۲-۱. رابطه بین متغیرهای مستقل سن، درآمد خانواده، تحصیلات پدر و مادر با متغیر وابسته پیشداوری

جدول شماره ۲: رابطه بین سن، درآمد، درآمد خانواده، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر با پیشداوری و تصورات قالبی

متغیر وابسته	متغیر مستقل	میزان همبستگی	معنی داری	تعداد
پیشداوری و تصورات قالبی	سن	۰/۱۲**	۰/۰۰۸	۴۵۷
	درآمد فرد	۰/۱۰*	۰/۰۲۶	۴۵۷
	درآمد خانواده	۰/۱۲**	۰/۰۰۹	۴۵۷
	تحصیلات پدر	۰/۱۱*	۰/۰۱۵	۴۵۷
	تحصیلات مادر	۰/۱۶**	۰/۰۰۱	۴۵۷

از آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل سن، درآمد فرد، درآمد خانواده، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر با متغیر وابسته پیشداوری و تصورات قالبی استفاده شد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد همبستگی معنی‌داری بین سن، درآمد خانواده، تحصیلات پدر و مادر و درآمد فرد با میزان پیشداوری و تصورات قالبی وجود دارد. بنابراین، فرض صفر رد و فرض مخالف تأیید می‌شود.

۲-۲. هویت ملی

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پاسخ به گویه‌های مربوط به هویت ملی

گویه	میزان فراوانی	کاملاً مخالف	مخالف	تا حدودی	موافق	کاملاً موافق
در تصویری که از خود دارم، ایرانی بودن برایم مهم است	فراوانی	۸	۱۳	۶۵	۱۶۲	۲۰۹
	درصد معتبر	۱/۸	۲/۸	۱۴/۲	۳۵/۴	۴۵/۷
احساس می‌کنم با سایر ایرانیان دارای ارزش‌ها و اعتقادات مشترکی هستم	فراوانی	۱۴	۳۰	۱۴۸	۱۷۷	۸۸
	درصد معتبر	۳/۱	۶/۶	۳۲/۴	۳۸/۷	۱۹/۳
خود را مقید به فرامین مذهبی می‌دانم	فراوانی	۱۸	۲۶	۱۰۱	۱۵۱	۱۶۱
	درصد معتبر	۳/۹	۵/۷	۲۲/۱	۳۳	۳۵/۲
سرود و پرچم ایران ما را از دیگران متمایز می‌کند	فراوانی	۱۴	۳۱	۸۲	۱۶۱	۱۶۹
	درصد معتبر	۳/۱	۶/۸	۱۷/۹	۳۵/۲	۳۷
ایرانیان از سرنوشت و هویت مشترکی برخوردارند	فراوانی	۱۲	۴۹	۱۳۷	۱۸۰	۷۹
	درصد معتبر	۲/۶	۱۰/۷	۳۰	۳۹/۴	۱۷/۳
زبان فارسی زبان ملی پیوند دهنده ایرانیان است	فراوانی	۵	۱۲	۷۳	۱۷۰	۱۹۷
	درصد معتبر	۱/۱	۲/۶	۱۶	۳۷/۲	۴۳/۱
از اینکه ایرانی هستم افسوس می‌خورم	فراوانی	۲۲	۲۳	۴۷	۱۴۱	۲۲۴
	درصد معتبر	۴۹	۳۰/۹	۱۰/۳	۵	۴/۸
به تاریخ و آثار ایران مفتخرم	فراوانی	۴	۳	۶۶	۱۵۷	۲۲۷
	درصد معتبر	۰/۹	۰/۷	۱۴/۴	۳۴/۴	۴۹/۷
به ایرانی بودنم افتخار می‌کنم	فراوانی	۱۱	۱۷	۶۵	۱۳۱	۲۳۳
	درصد معتبر	۲/۴	۳/۷	۱۴/۲	۲۸/۷	۵۱
دید مثبتی به فرهنگ ایرانی دارم	فراوانی	۱۰	۲۶	۷۷	۱۸۴	۱۶۰
	درصد معتبر	۲/۲	۵/۷	۱۶۴/۸	۴۰/۳	۳۵
سرزمین ایران برایم مقدس است	فراوانی	۶	۲۷	۵۰	۱۵۰	۲۲۴
	درصد معتبر	۱/۳	۵/۹	۱۰/۹	۳۲/۸	۴۹/۱
مردم ایران از هر قوم و دین و مذهبی برایم عزیز و محترم هستند	فراوانی	۱۰	۲۲	۷۱	۱۷۴	۱۸۰
	درصد معتبر	۲/۲	۴/۸	۱۵/۵	۳۸/۱	۳۹/۴
برایم اهمیتی ندارد همه یا قسمتی از سرزمین‌ام جزئی از خاک کشور همسایه شود	فراوانی	۸	۱۸	۱۵	۹۴	۳۲۲
	درصد معتبر	۷۰/۵	۲۹/۶	۳/۳	۳/۹	۱/۸



۱۸۴	۱۹۱	۴۰	۳۰	۱۲	فراوانی	تاریخ کشورم ارزش مطالعه ندارد
۴۰/۳	۴۱/۸	۸/۸	۶/۶	۲/۶	درصد معتبر	
۱۷۸	۱۴۴	۸۹	۳۰	۱۶	فراوانی	آرزویم این است که در صورت
۳۸/۹	۳۱/۵	۱۹/۵	۶/۶	۳/۵	درصد معتبر	تهاجم نظامی به کشورم از آن دفاع کنم

۲-۳. میزان پابندی به سطوح مختلف هویتی

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان پابندی به سطوح مختلف هویتی

سؤال	میزان فراوانی	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد
شهر	درصد معتبر	۳/۹	۶/۸	۲۱/۴	۳۱/۳	۳۶/۵
استان	درصد معتبر	۵/۹	۸/۸	۲۰/۸	۳۵/۹	۲۸/۷
گروه دینی	درصد معتبر	۵/۹	۴/۴	۱۳/۸	۲۳/۹	۵۲/۱
گروه مذهبی	درصد معتبر	۶/۸	۵/۵	۱۵/۳	۲۱/۹	۵۰/۵
طایفه و قوم	درصد معتبر	۱۶	۱۹/۳	۳۰	۲۰/۶	۱۴/۲
کشور ایران	درصد معتبر	۲/۴	۳/۳	۱۲	۳۰	۵۲/۳
جامعه جهانی	درصد معتبر	۵	۴/۶	۱۹/۹	۳۳/۵	۳۷

مطابق با نتایج جدول شماره ۴، در مورد متغیر میزان پابندی به سطوح مختلف هویتی، نتایج ذیل حاصل شده است:

بیشترین میزان انتخاب گزینه خیلی زیاد مربوط به بستگی به کشور ایران با ۵۲/۳ درصد و بعد از آن گروه دینی با ۵۲/۱ درصد بوده است و کمترین میزان موافقت با گزینه مربوط به بستگی به طایفه و قوم با ۱۴/۲ درصد بوده است.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان مشاخره با گروه‌های قومی (هویت قومی)

سؤال	میزان فراوانی	اصلاً	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد
آذری	درصد معتبر	۷۴/۲	۹	۶/۸	۴/۴	۲/۸	۲/۸
کرد	درصد معتبر	۷۸/۶	۷/۹	۵	۳/۵	۲/۸	۲/۲

بلوچ	درصد معتبر	۸۱	۸/۵	۳/۹	۳/۹	۲	۰/۷
عرب	درصد معتبر	۷۶/۶	۸/۳	۴/۶	۴/۴	۳/۷	۲/۴
ترکمن	درصد معتبر	۸۳/۸	۶/۸	۴/۲	۳/۳	۰/۹	۱/۱
لر	درصد معتبر	۷۲	۹/۸	۵/۵	۵/۹	۲/۸	۳/۹

مطابق با جدول شماره ۵ در مورد متغیر میزان مشاجره با گروه‌های مختلف قومی و نژادی، اختلاف قابل ملاحظه‌ای بین گروه‌های مختلف در میزان مشاجرات و درگیری‌ها وجود ندارد و درصد انتخاب گزینه‌های مربوط به هر قوم و گروه تا حد بسیار زیادی به هم نزدیک هستند. در نتیجه، پاسخگویان بر حسب ویژگی‌ها و تمایزات قومی با دیگر افراد و گروه‌ها به مشاجره و منازعه نپرداخته‌اند و خطوط تمایز هویتی بر پایه قوم نمی‌تواند مبنایی برای ایجاد نزاع باشد.

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی سایر گویه‌های مربوط به هویت قومی

سؤال	میزان فراوانی	خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد
اهمیت گروه قومی	درصد معتبر	۵	۱۳/۳	۳۱/۹	۲۷/۱	۲۲/۵
علاقه‌مندی به زبان محلی خود	درصد معتبر	۱۲	۱۳/۱	۲۱/۴	۲۴/۹	۲۸/۴
افتخار به عناصر منحصر به فرد قوم خود	درصد معتبر	۶/۳	۹/۸	۳۱/۵	۲۹/۱	۲۳/۲

به منظور بررسی رابطه بین دو متغیر هویت ملی و قومی با پیشداوری و تصورات قالبی نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

نتایج آزمون نشان می‌دهد بین متغیرهای هویت ملی با پیشداوری و تصورات قالبی همبستگی منفی و معنی‌داری وجود دارد و افرادی که دارای هویت ملی بالاتری بوده‌اند پیشداوری و تعصبات قالبی کمتری دارند. بنابراین فرض صفر رد و فرض مخالف تأیید قرار می‌شود.

در بررسی رابطه بین هویت قومی و پیشداوری نیز از همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد بین این دو متغیر همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد و افرادی که از هویت قومی بالاتری برخوردار بوده‌اند میزان پیشداوری بالاتری داشته‌اند. بنابراین فرض صفر رد و فرض مخالف تأیید می‌شود.

۲-۴. رگرسیون گام به گام

به منظور تعیین سهم متغیرهای اجتماعی جمعیت‌شناختی و متغیرهای هویت قومی و ملی اضافه بر آن از رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد نتایج آنوای یک‌راهه نیز نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی معنی‌دار است و متغیرهای هویت ملی ($B = -0/173$ ، $p < 0/001$)، و هویت قومی ($B = 0/198$ ، $p < 0/001$)، به ترتیب بیشترین سهم معنی‌دار را در پیش‌بینی این متغیر داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

تصورات و پنداشت‌های ما بر نوع رابطه با دیگران نقشی تعیین‌کننده دارد. آنچه که در تحلیل نهایی ما را به ارتباط با دیگران و یا دوری گزیدن از آنها ترغیب می‌کند نوع ادراکی است که از آنها در فرایندهای ذهنی خود سامان داده‌ایم. در این میان، مدیریت و کنترل پیامدهای ناشی از تصورات قالبی و پیشداوری و کاهش مخاطرات منفی ناشی از آن، نیازمند تأمل جدی در مبانی و مؤلفه‌های شکل‌گیری آن است.

حفظ وحدت و یکپارچگی هویتی مستلزم اتخاذ راهکارهایی خلاقانه و مدبرانه است تا با کاهش و حذف تصورات منفی و نادرست اقوام و گروه‌های هویتی، فرصت‌های ساختاری لازم را برای بقای همبستگی ملی تضمین کند. این امر می‌تواند از طریق گسترش ارتباطات بین گروه‌های هویتی مختلف در جامعه، ایجاد فضای ساختاری لازم جهت تجربه زندگی در محیط‌های آموزشی، دانشگاه‌ها و اداره‌ها، تسهیل تعامل و ارتباطات بین اقوام از طرقی نظیر مناسبات اقتصادی که جنبه هم‌تکمیلی دارند و آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها به خصوص به والدین - به واسطه آن‌که نقش آنها در مراحل اولیه زندگی (پیش دبستانی) بیشتر است و فرزندان نگرش‌شان نسبت به دیگران اغلب مرتبط با دیدگاه‌های والدین است - امکان‌پذیر شود.

تلاش برای نشان دادن خصیصه‌های مثبت اقوام و گروه‌های هویتی و تصحیح نگرش‌های نادرست فرهنگی و رفع سوء تفاهم‌ها و سوء تصوراتی که بر اساس اغراض و مطامع خاصی توسط بیگانگان در جامعه ترویج می‌شود یکی دیگر از اولویت‌ها است. تحقق این امر از طریق کاربست شیوه‌هایی نظیر آشنا کردن نسل جدید با سنن و مبانی هویتی - فرهنگی اقوام مختلف ایرانی، برگزاری سفرهای متناوب و دوره‌ای در ایام فراغت دانش‌آموزان به مناطق مختلف کشور، ممانعت از پخش اخبار، برنامه‌ها،

پیام‌ها و مطالبی که با انتشار نگرشی خاص به یکی از اقوام، روحیه و احساس تعلق جمعی را تضعیف می‌کند، فراهم کردن زمینه ازدواج افراد مناطق مختلف کشور با یکدیگر از طریق بسترسازی فرهنگی، دخالت دادن نوجوانان و جوانان در این امر از طریق طرح پرسش‌های آموزشی - پژوهشی، انتشار و توزیع ماهنامه‌ها و مجلات مروج همزیستی هویتی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان امکان‌پذیر می‌شود.

منابع

- آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲)؛ *روان‌شناسان اجتماعی، با نگرش به منابع اسلامی*، تهران: سمت.
- اپتر، دیوید ای. و آندرین، چارلز اف. (۱۳۸۰)؛ *اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی*، ترجمه محمدرضا سعیدآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۴)؛ «هویت ملی ایرانیان در گستره تاریخ»، در *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*، به کوشش مریم صنیع‌اجلال، تهران: تمدن ایرانی.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷)؛ «منابع قومی ناسیونالیسم»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پیش‌شماره اول، بهار، صص ۱۸۳-۱۹۶.
- ----- (۱۳۸۳)؛ *ناسیونالیسم: نظریه، ایدئولوژی، تاریخ*، ترجمه منصور انصاری، تهران: تمدن ایرانی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)؛ *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*، تهران: فرهنگ گفتمان.
- خمسه، اکرم (۱۳۸۶)؛ «بررسی نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی بر طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه قومی از دانشجویان در ایران»، *مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۳، ش ۲، صص ۱۲۹-۱۴۶.
- ربانی، رسول و محمد باقر کجباف (۱۳۸۶)؛ *روان‌شناسی اجتماعی (دیدگاه‌ها و نظریه‌ها)*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- سانتراک، جان دبلیو (۱۳۸۳)؛ *زمینه روان‌شناسی سانتراک*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۷)؛ *روان‌شناسی اجتماعی*، چاپ یازدهم، تهران: آوای نور.
- شوسلر، کارل اف (۱۳۸۲)؛ *مقیاس‌های نگرش اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نابی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صادقی فسایی، سهیلا و شیوا کریمی (۱۳۸۴)؛ «کلیشه‌های جنسیتی سریال‌های تلویزیونی ایرانی»، *فصلنامه پژوهش زنان*، شماره ۳، صص ۵۹-۷۶.
- قانع‌راد، محمدمبین و دیگران (۱۳۸۶)؛ «جنسیت و هویت قومی: نمونه شهر خرم‌آباد»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، س ۱۵، ش ۵۸-۵۹، صص ۲۵-۴۹.
- کاتم، مارتا و دیگران (۱۳۸۶)؛ *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی*، ترجمه سید کمال خرازی و جواد علاقبند راد، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.



- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۷)؛ «آسیب‌شناسی مخاطب‌پنداری در حوزه رسانه‌ها، جهانی‌شدن و عصر پس از دهکده جهانی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره ۳، صص ۷۹-.
- معینی‌فر، حشمت‌السادات (۱۳۸۸)؛ «بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه: مطالعه موردی صفحه حوادث روزنامه همشهری»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، ش ۷، صص ۱۶۷-۱۹۸.
- نجاتی، سیدمحمد (۱۳۸۲)؛ «واکاوی هویت تاریخی، تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی ایران: ملاحظات نظری و روش‌شناختی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال چهارم، شماره ۱، صص ۱۵۳-۱۹۰.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۰)؛ «احزاب سیاسی و هویت ملی: تأملی در کارکردها و چشم‌اندازها»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال دوازدهم، ش ۱، صص ۷۳-۹۸.
- نواح، عبدالرضا و سیدمجتبی تقوی‌نسب (۱۳۸۶)؛ «تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و ملی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، ش ۲، صص ۱۴۲-۱۶۳.
- Abrams, D.; Hogg, M.A. (2001); "Commentson Motivational Status of Self-Esteem". in *Social Identity and Intergroup Discrimination*. New York: Psychology Press.
- Abrams, Dominic & Diane M. Houston (2006); "Equality, Diversity and Prejudice in Britain". *Report for the Cabinet Office Equalities Review*, October: University of Kent Center for the Study of Group Processes.
- Alexander, V., Brewer, M. B. and Herrmann, R.(1999); "Images and Affect: A Functional Analysis of Out- Group Stereotypes". *Journal of Personality and Social Psychology*, 77, PP 78-93.
- Amodio, David M. and Matthew D. Lieberman (2009); "Pictures in our Heads". In *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*. Edited by Todd Nelson. NewYork: Psychology press.
- Aronson, Joshua; Quinn, Diane M. and Spencer, Steven J. (1998); "Stereotype Threat and the Academic Underperformance of Minorities and Women". In *Prejudice: The Target's perspective*. Edited by Janet K.Swim and Charles Stangor. San Diego: Academic Press.
- Becket, N.E & Park B. (1995); "Use of Category Versus Individuating Information: Making Base Rates Salient". *Personality and Social Psychology Bulletin*, 21, PP 21-31.
- Bigler, S. Liben, L.S (2006); "Adevelopmental Intergroup Theory of Social Stereotypes and Prejudice", In R.V.Kail (Ed), *Advances in Child Development and Behavior*. Vol. 34, PP 38-39.
- Bodenhausen, Galen V.; Andrew R. Todd, and Jennifer Aricheson (2009); "Controlling Prejudice and Stereotyping Antecedents, Mechanisms, and Contextes", in *Handbook of Prejudice, Stereotyping, and Discrimination*, Edited by Todd D. Nelson, New York: Psychology Press: PP 136-137.
- Boldane, Ilze (2003); "Latvian's Ethnic Stereotypes Regarding Ethnic and Cultural Minorities of Latvia". Trans by Natalia Shorohora, *Pro Ethnologia*, 15, PP 197-206.
- Brown, Rupert (1995); *Prejudice: The Target's Perspective*. San Diego: Academic Press.
- ----- (2001); *Prejudice: It's Social Psychology*. Oxford, Blackwell .
- Calhoun ,Craig (ed) (1998); *Social Theory and the Politics of Identity*. London: Blackwell.
- Carter, John D. et al (2006); "Individual Differences in the Acceptance of Stereotyping", *Journal of Research in Personality*, Volume 40, Issue 6, December, PP 1103-1118.
- Cohen, A.p(1982); "Belonging: Identity and social Organization". In *British Rural Cultures*, Manchester: Manchester University Press.



- Connolly, William (2002); *Identity / Difference*. Minnesota: University of Minnesota Press.
- Dovidio, John F. (2001); "On the Nature of Contemporary Prejudice: The Third wave". *Journal of Social Issues*, Vol. 57, No. 4, PP 629-849.
- Feagin, J. R. (1978); *Racial and ethnic relations*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Fiedler, Klaus and Eva Walther (2004); *Stereotyping as Inductive Hypothesis Testing*, New York: Psychology Press.
- Fiske, S.T et al (2002); "A Model of Stereotype Content", *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, PP 878-902.
- Fiske, Susan T. et al (2009); *Handbook of Prejudice, Stereotype and Discrimination*. Edited by Todd D. New York: Psychology Press.
- Freytag, Peter; Yoshihisa Kashima and Klaus Fiedler (Eds) (2008); *Stereotype Dynamics: Language-Based Approaches to the Formation, Maintenance and Transformation of Stereotypes*, New York: Taylor & Francis Group.
- Greenberg Jeff, et al. (2009); "How Our Dreams of Death Transcendence Breed Prejudice, Stereotyping and Conflict: Terror Management Theory", in *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*. Edited by Todd D. Nelson. New York: Psychology Press.
- Hall, Ronald E. (2001); "The Ball Curve: Calculated Racism and the Stereotype of African American Men", *Journal of Black Studies*, Vol. 32, No. 1 (Sep.), PP 104-119.
- Hamilton David L. et al (2009); "The Role of Ethnicity in Stereotyping Processes and Parameters. In *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*. Edited by Todd Nelson. New York: Psychology Press.
- Haslam, Alexander et. al. (1996); "Stereotyping and Social Influence". *British Journal of Social Psychology*, 32, PP 369-99.
- Hewstone, Miles; Mark Rubin and Hazel Willis (2002); "Annual Review of Psychology"; *ProQuest Psychology Journals*, 53, PP 575-604.
- Jahoda (2001); "Beyond Stereotypes". *Culture & Psychology*. 7, PP 181-197.
- Miller, A.G. (1982); "Historical and Contemporary Perspective on Stereotyping". In Miller, A.G. (Ed) *in the Eye of Beholder: Contemporary Issues in Stereotyping*. New York, Praeger, PP 1-40.
- Levy, Sheri R. & Julie milligan Hughes (2009); "Development of Racial and Ethnic Prejudice among Children", in Todd. D Nelson (Ed), *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*, New York: Psychology Press and Taylor & Francis Group.
- Macrae, C.N.; Hewstone, M., & Griffiths, R.J. (1993); "Processing Load and Memory for Stereotype Based Information". *European Journal of social Psychology*, 23, PP 72-78.
- Norval, Aletra J. (2003); "The Politics of Ethnicity and Identity". In *Cambridge Dictionary of Sociology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Patrich Houghton, David (2009); *Political Psychology Situations, Individuals, and Cases*, London: Routledge.
- Perdue, C. w. and others (1990); "US. And Them: Social Categorization and the Process of Intergroup Bias". *Journal of Personality and Social Psychology*, 54, PP 175-186.
- Sagar, H. A., & Schofield, J. W. (1980); "Racial and Behavioral Cues in Black and White Children's Perceptions of Ambiguously Aggressive Acts". *Journal of Personality and Social Psychology*, 39, PP 590-598.

- Schneider, David J. (2004); *The Psychology of Stereotyping*. New York: The Guilford Press.
- Semin, Gun R. (2009); "Stereotype in the Wild", in *Stereotyping Dynamics: Language-Based Approaches to the Formation, Maintenance, and Transformation of Stereotypes*. New York: Lawrence Erlbaum Associates.
- Siebers, Tobin (2005); "Disability Studies and the Future of Identity Politics. In *Identity Politics Reconsidered*. Edited by Linda Martin Alcoff and Others. Macmillan: Palgrave.
- Smith, Anthony D. (1995); "Nationalism and Historians" in Gopal Balakrishnan (ed). *Mapping the Nation*. London: Werso.
- Stangor, Charles, & Jost, J.T (1997); "Commentary. Individual, Group and System Levels of Analysis and their Relevance for Stereotyping and Intergroup", in R, Spears; P. J Oakes; N. Ellemers & S. A. Haslam (Eds). *The Social Psychology of Stereotyping and Group Life*, Oxford, UK: Blackwell, PP 336-338.
- Stephan, Walter G. et al (2009); "Intergroup Threat Theory", in *HandBook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*, Edited by Todd D. Nelson, New York: Psychology Press.
- Stone, Jeff; W. Perry and John M. Darley (1997); "White Men Can't Jump": Evidence for the Perceptual Confirmation of Racial Stereotypes Following a Basketball Game, *Basic and Applied Social Psychology*, Vol. 19, No. 3, PP 291-306.
- Tajfel, H. (1982); "Social Stereotypes and Social Groups". In J. Turner & H.Giles (Eds). *Intergroup Behaviour*. Oxford, UK: Blackwell: PP 144- 160.
- Thompson, R. H. (1989); *Theories of Ethnicity: A Critical Appraisal*. New York: Greenwood.
- Trimble, Joseph E.; Janet E. Helms and Maria P. Root (2002); *Social and Psychological Perspectives on Ethnic and Racial Identity, Handbook of Racial & Ethnic Minority Psychology*, Sage Publication. Last visited at: 10 Apr. 2010. <http://www.sage-reference.com/hdbk_racialpsych/Article_n13.html>.
- Volkan, Vamik (1988); *The Need to Have Enemies and Aliens: form Clinical Practice to International Relationships*, Northvale, NJ: J. Aronson.
- Weber, Rence & Crocker, Jennifer (1983); Cognitive Processes in the Revision of Stereotypic Beliefs, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 45, No.5, PP961-977.
- Weedon, Chris (2004); *Identity and Culture (narratives of Difference and Belonging)*. Open University Press.

